



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۷/۲۱

س.ح. روغ

به اوضاع جاری وطن چگونه بنگریم؟  
گفتار بیست و هشتم

## گپ امریکا، گپ عقب نشینی نیست!

ماموریت های جناب داکتر زلمی خلیلزاد در واقع بیان یک تجدید نظر بسیار عمیق در موقف جهانی امریکا است؛ این تجدید نظر می تواند اولیت ها را جابجا کند، اما نمی تواند جاگزین شکست ها شود! بهر حال اصل همان می ماند که بود: چنین نیست که امریکا نمی خواهد عقب نشینی کند؛ امریکا نمی تواند عقب بنشیند! فردا پرزیدنت ترامپ عمران خان را می پذیرد؛ این ملاقات بوساطت ولیعهد سعودی صورت می گیرد؛ دیدار چندی قبل گراهام، سناتور سرشناس جمهوریخواه، از اسلام آباد هم یک پیروزی مهم برای عمران خان بود؛ مقدمات اصلی مذاکرات کنونی واشنگتن بدست داکتر خلیلزاد آماده شده است؛ برای بار نخست لوی درستیز پاکستان و رییس آی اس آی هم شامل این دیدار ساخته شده اند؛ این ملاقات نشان میدهد که، به رهنمایی خلیلزاد، واشنگتن سیاست کنار گذاشتن، و منزوی ساختن، و حتی تجزیه پاکستان، را کنار می گذارد؛ خلیلزاد در میسیون سه جانبه، امریکا و چین و روسیه، برای پاکستان هم یک کرسی گذاشت؛ معلومدار روسیه و چین هم تلاش خواهند کرد برای کشورهای دیگری بدور این میز کرسی بگذارند؛ شاید چین برای ایران؛ و روسیه برای هند؛ جناب کرزی هم به این حالت عکسالعمل نشان داد و گفت که هند و ایران هم باید وارد مذاکرات صلح افغانستان ساخته شوند؛

هند در ستراتیژی امریکا برای جنوب آسیا جای اساسی داشت؛ دلایل سرد شدن مناسبات میان هند و امریکا را نمی دانیم؛ اما بهر حال این دلایل باید جدی باشند؛ هند از سیاست خود در باره پاکستان و افغانستان، علی رغم مراجعات مکرر امریکا، عقب نه نشست؛ این سیاست هند میگوید که هند، در وحدت ستراتیژیک با افغانستان، برای تأمین انرژی با آسیای میانه متصل گردد؛ پس هند باید مانع پاکستان را از سر راه خود بر دارد؛ هند پنهان نمی کند که در نظر دارد پاکستان را «ضمیمه» کند؛ یگان حزب در هند حتی مهلت ذکر کرده اند و گفته اند که تا ۲۰۲۵ پاکستان به هند ضمیمه می شود؛

اما واشنگتن ارزیابی می کند که آیا میتواند در مناسبات منطقه جنوب آسیا بار دگر بالای پاکستان متکی شود؟ معنا این که واشنگتن در کوشش برای مانع شدن چین، آن مقامی را در بازی آسیای میانه دیگر برای هند قایل

نیست که فقط تا همین چند وقت پیش از شاکله های مهم ستراتیژی امریکا برای آسیای جنوبی بود؛ و داکتر غنی در تنظیم این ستراتیژی شرکت داشت؛

هند، در مقابل، درست در همین میدان چرخش آورد و در دو حرکت بزرگ، گامهای بلندی برداشت که اثرات دوربردی نه تنها برای امریکا، بل برای احوال جهان آینده خواهد داشت:

هند دوبار در اجلاس سه جانبه در کنار چین و روسیه ظاهر شد؛ و اینک هند گام دوم را برداشت و مبادلات اسعاری خود را با روسیه «غیردلاری» ساخت؛ بدین سان اینک چین و هند و ایران و ترکیه و روسیه معاملات اسعاری خود را «غیردلاری» ساخته اند؛ پس از ۷۵ سال برای بار نخست چنین می شود؛

انتظار می رود که امریکا به پاکستان پول و تسلیحات پیشکش کند؛ و در افغانستان هم به پاکستان امتیازاتی را بپذیرد؛ در مقابل پاکستان باید «ائتلاف» خود با امریکا را از نو تعریف کند؛ از چین و از روسیه و از شانگهای شانه های خود را خالی کند؛ و در سیاست کنونی امریکا، برای محاصره نظامی و اقتصادی ایران، بطرف امریکا و سعودی موضع بگیرد؛ و از تمدید پاپلین های ایران بسوی چین و هند ممانعت کند؛

این که عمران خان چنین می کند، ویا نمیکند، دیده شود؛ اما حتی در افغانستان، جناب حامد کرزی اعلام کرد که امریکا اجازه ندارد از خاک افغانستان بر علیه ایران استفاده کند!

پاکستان به پول اشد ضرورت دارد، زیرا در یک بحران بسیار عمیق اقتصادی دست و پا میزند و وضعیت بحرانی کنونی موجودیت این کشور را «با ابهام روپرو ساخته است»؛ تسلیحات را بهر قیمت می طلبد، زیرا در مسابقه ستراتیژیک در مقابل هند عقب مانده است؛ و از امتیازاتی که امریکا در افغانستان به پاکستان بدهد، فقط می تواند میترلام بخواند و خواب های احتلام بچلاند؛

اما مشکل در این است که در طی ۳۰ سال گذشته منطق مناسبات منطقوی دگر شده است؛ مضمون رویکرد پاکستان به چین و به شانگهای دگر شده است؛ پاکستان نمی تواند در میان چین و امریکا یکی را انتخاب کند؛ پاکستان به همه دلایل آینده خود را در آسیای میانه جستجو می کند؛ و بر علاوه کوشش هایی که برای سبوتاژ برنامه اتومی پاکستان، و حتی تجزیه پاکستان، جریان داشته اند، دلایلی را پیوسته تضعیف کرده اند که می توانسته اند یک اساس نو، برای یک چرخش نو پاکستان به سوی امریکا، قرار بگیرند؛

● ملاقات عمران خان در واشنگتن، دقیقاً قبل از ملاقات طالبان با حکومت افغانستان برنامه شده است؛ امریکا با امتیازاتی که برای پاکستان پتکی داده است، انتظار دارد که از پاکستان برای اطاعت عام و تام ضمانت بگیرد؛ این گپ مطبوعات امریکایی که مذاکرات عمران خان در واشنگتن روی «صلح» در افغانستان متمرکز خواهد بود؛ با سوال های متعدد مواجه می شود؛ حقیقت این است که نگرش ها از هم بسیار فاصله دارند؛

نیویورک ایگزامینر نوشت که پیوسته کوشش اصلی پاکستان ممانعت از تأسیس یک دولت مقتدر و باثبات در افغانستان بوده است؛ طرفه تر این که پاکستانی ها به داکتر غنی گفته اند طرفدار بقدرت رسیدن طالبان هم نیستند؛ داکتر غنی می گوید که موجودیت یک دولت کارا در افغانستان برای ثبات و اتصال منطقه بی یک امر ضروری است؛ و جناب کرزی میگوید که پاکستان و امریکا آغازگر جنگ کنونی در افغانستان استند؛ و این دوکشور هم باید که آتش جنگ در افغانستان را خاموش کنند.

پس بیشتر محتمل است که آن چه در ملاقات و اشنگتن روی میز بحث می آید، یک «نقشه کار» خواهد بود؛ در همین حال محب گفت:

«افغانان صلح با عزت می‌خواهند، اما هرگاه روند جاری صلح یک دسیسه باشد برای سرنگون ساختن نظام افغانستان، پس در مقابل آن می ایستیم؛ ما مردم افغانستان می‌خواهیم که به وطن ما یک صلح واقعی بیاید؛ یک صلح با عزت بیاید؛ اما هرگاه صلح یک «پروژه» باشد، و یا یک دسیسه باشد، که نظام ما را سرنگون بسازد؛ و باعث جنگهای داخلی شود ما همه در مقابل آن مبارزه می‌کنیم؛ ما از همکاران بین المللی خود شکران می‌کنیم که با ما در سال های پسین همکاری کرده اند؛ اما هرگاه ما به یک فکر نباشیم، و هرگاه ضرور شود که ما راه خود را جدا کنیم؛ این را هم می‌کنیم؛ هرکشوری منافع خود را در نظر می‌گیرد، و برای ما بالاتر از منافع افغانستان، منفعتی نیست»

و جناب کرزی هم هشدار داد که «معامله آمریکا با کشورهای منطقه بالای صلح افغانستان قابل پذیرش نیست؛ آمریکا باید در باره وضعیت کنونی صلح وضاحت بدهد تا که پروسه جاری صلح به یک بحران بعدی در افغانستان منجر نه شود؛ آمریکا باید زمینه بسازد که افغانستان میزبان صلح باشد، نه مهمان صلح؛ در صلح آینده با همه افغانان خود را دیده بتوانند»

جناب سرور دانش گفت: «طرف عمده جنگ، مردم افغانستان هستند و در مورد صلح نیز باید مردم تصمیم بگیرند. اگر طالبان فکر می‌کنند که با توافق آنان با آمریکا، جنگ افغانستان به پایان می‌رسد، خیالی بیش نیست. تا زمانی که طالبان استراتژی جنگی خود را تغییر ندهند و به آتش بس و گفتگوها با حکومت افغانستان تن ندهند، سر دادن شعار «صلح» از سوی آنها عوام‌فریبی است»  
جناب عبدالله هم خواهان «بسیج هواداران گفتگوهای صلح شد»  
غنی گفت نظریه من یک صلح «همه شمول» است!

•  
اصرار خاص بر پاکت «صلح بر انتخابات اولویت دارد» معنای روشن دارد؛ جناب داکتر خلیل‌زاد گفت هر نتیجه ای که در مذاکرات حاصل بیاید، همان نتیجه «حاکم» خواهد بود؛ در برنامه نصیر فیاض از زبان شرکت کنندگان ملاقات قطر بصراحت بیان شد که در ملاقات با طالبان مسأله حفظ و بقای «نظام جمهوری اسلامی»، مندرج در قانون اساسی افغانستان، بصورت «خودجوش» مطرح بود؛ و مورد اجماع همه شرکت کنندگان بحث قرار داشت؛ و طالبان هم در آن تردیدی نداشتند؛ و در فیصله نامه ملاقات هم مفهوم اساسی «نظام جمهوری اسلامی» تحریر شده بود؛ اما کسی آمد و مفهوم «جمهوری» را حذف کرد؛ و در نتیجه اکنون در اعلامیه «نظام اسلامی» آمده است؛ غنی در پاسخ به این اقدام گفت که «صلح باید در بستر نظام جمهوری تحقق یابد، نه امارت»

•  
بهر حال صلح و یا انتخابات در کانون بحث های داغ در کابل قرار گرفته است؛ با ادای حرمت به نصیر فیاض گرامی، و به همه صحبت کنندگان، باید تصریح شود باعث تعجب و حیرت است که در اکثر بحث ها نه تنها بر مضار انتخابات تأکید می‌شود، بل حتی آشکارا انتخابات مزمت می‌شود؛ گپ هایی که گفته میشوند، چنین هستند:

«مردم به انتخابات ناباور هستند؛ چنین انتخابات یک بحران خواهد بود؛ این انتخابات مشروعیت ندارد؛ قواعد اخلاقی و حقوقی برای انتخابات مفقود هستند؛ میکانیزم درست برای انتخابات موجود نیست؛ ضعف مدیریت بالای تدارک برای انتخابات سایه افکنده است؛ لیست ها شفاف نیستند؛ تلاش یکجانبه غنی برای تدویر انتخابات، تلاش برای ماندن در قدرت است؛ در کشوری هستیم که رییس جمهورش سلطان قلب است...»

نخست این معادله که «صلح نسبت به انتخابات اولویت دارد»، اصلاً یک معادله غلط است؛ بمانند این است که بگوییم باریدن باران نسبت به دیگ پختن اولویت دارد؛ صلح و انتخابات چیز های جداگانه هستند؛ غنی درست گفت که صلح بدیل انتخابات نیست؛ اما تدویر انتخابات در وضع کنونی در وطن اهمیت اساسی دارد، زیرا تمثیلی است از اراده جمعی مردم ! و تأسیس و اظهار اراده همگانی مردم نه تنها هیچ تعارضی با صلح ندارد؛ بل هم نهاد با صلح است؛ در غیاب اراده مردم نمی توان به صلح نایل آمد؛ سرور دانش درست گفت که صلح امر مردم است!

سپس مشکل صلح مقدم بر انتخابات، این است که به الغای دولت منتخب می انجامد؛ به الغای قانون اساسی می انجامد؛ به الغای دموکراسی می انجامد؛ یعنی لغو انتخابات از نام صلح، بمعنای سوق کشور به هرج و مرج است؛ بعد این که یک عده، بشمول برخی کاندیدان، می گویند اگر رئیس جمهور از قدرت کنار نرود، انتخابات شفاف نخواهد بود؛ شاید همین گپ درست باشد! اما یک سوال هم مطرح می شود: اگر رئیس جمهور کنار برود، به کدام دلیل انتخابات شفاف خواهد بود؟ و این همه در حالی که در کابل این شبهه قوت می گیرد که مبدا صلح مقدم بر انتخابات یک دسیسه برای الغای نظام نباشد!

مسأله اساسی و اصولی در اینجا است که انتخابات یک قیام همگانی برای جمهوریت است؛ و بنابراین یک قیام همگانی برای صلح است! انتخابات کنونی از خطری یک قیام برای صلح است که تصمیم آشکار جمهور مردم را به حمایت از جمهوریت و برای رد قاطع امارت بیان می کند! هیچگاهی یک انتخابات در افغانستان اینقدر سیاسی نبوده است، بمانند انتخابات جاری! گپ غنی درست است که هیچ چیزی از تدویر انتخابات ممانعت کرده نمی تواند! با همه توان خود از تدویر انتخابات حمایت کنیم!

• بلی گپ شکست، گپ عقب نشینی نیست!

این روز ها می گذرند؛ و ما می مانیم و گپ های دندان شکن و دندان شکسته «دهان خون آلود آزادی!»



### تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

به اوضاع جاری وطن چگونه بنگریم؟ (۲۸)

Rogh\_h\_۴۱\_ba\_aozaaye\_watan\_tshiguna\_bengarem\_۲۸.pdf